

## التبيان في تفسير القرآن

التبيان في تفسير القرآن، اثر شيخ طوسي است (۴۶۰-۳۸۵ق) که آن را اولین تفسیر کامل شیعی دانسته‌اند. این کتب حاوی تفسیر همه آیات قرآن است و علاوه بر آن، از روش‌های متعدد تفسیری در آن استفاده شده است. این تفسیر از منابع کهن تفسیری به‌شمار می‌آید و بسیاری از مفسران شیعه، از آن سرمشق گرفته‌اند. شیخ طوسی در این تفسیر، علاوه بر نقل روایات معصومان(ع) و صحابه، با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف، آرای مفسران گذشته و معاصران خود را بررسی و ارزیابی کرده است. از این رو، برخی این تفسیر را دربردارنده انواع علوم و فنون قرآنی، همچون صرف، نحو، اشتقاق، معانی، بیان، حدیث، فقه، کلام و تاریخ دانسته‌اند.

### شناسه مؤلف:

ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰) منسوب به طوس از شهرهای خراسان؛ که کانون علم و دانش و عمران و آبادانی بود و هم‌چنان مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی است؛ بدان سبب که آرامگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است و امروزه از شکوفاترین شهرهای ایران اسلامی به شمار می‌رود.

شیخ طوسی از بزرگ‌ترین علمای امامیه و پیشوا و مقدم آنان است و در علوم و معارف اسلامی بر همگان پیشی جسته و الگو و سرمشق همه کسانی است که پس از او در تمامی علوم اسلامی؛ از قبیل فقه، تفسیر، کلام، اصول، رجال و حدیث به تألیف پرداخته‌اند. وی به شیخ الطائفه ملقب شد؛ چون پیشوا و معلم اول امامیه در علوم مختلف است. او در رمضان سال ۳۸۵ در طوس متولد شد و در سال ۴۰۸ در هنگام زعامت و مرجعیت شیخ مفید به بغداد مهاجرت کرد و ملازم همیشگی وی گشت و از وی بهره‌ها برد. وی همچنین محضر ابن غضائری و نجاشی را درک کرد و بعد از وفات شیخ مفید و

انتقال زعامت و مرجعیت به سید مرتضی، به محضر وی رفت و به طور مداوم از درس وی بهره برد. سید مرتضی هم در تعلیم و آموزش وی بسیار کوشید. شیخ طوسی مدت ۲۳ سال در ملازمت سید مرتضی بود تا اینکه سید مرتضی در سال ۴۳۶ در گذشت و منصب زعامت شیعه به او منتقل شد و از برجسته‌ترین علمای شیعه و مشعل هدایت مردم گردید و خانه وی در کرخ بغداد، پناهگاه امت و منزل گاه گروه‌هایی بود که از مناطق مختلف به نزد وی می‌آمدند. کرسی تدریس علم کلام هم به خواست خلیفه عباسی القادر بالله به او واگذار شد. چون در آن زمان کسی در بغداد نبود که از نظر شناخت احکام شریعت و اصول کلام از او برتر باشد.

شیخ هم‌چنان پیشوا و زعیم مردم روزگارش بود؛ تا اینکه نگرانی و اضطراب و فتنه در بغداد شدت گرفت و در زمان طغرل بیگ، اولین پادشاه سلجوقی گسترش یافت؛ تا اینکه طغرل به بغداد آمد و ابتدا به کرخ حمله کرد. او کتابخانه شیخ را - که وزیر بهاء الدوله بویی، ابو نصر شاپور بن اردشیر آن را فراهم کرده و کتب مختلفی را از ایران و عراق و هند و چین و روم در آن گرد آورده بود - به آتش کشید. این کتابخانه گنجینه‌ای ارزشمند و بزرگ بود که شاید کتاب‌هایش بالغ بر ده‌ها هزار جلد می‌شد و اکثر آنها نسخه‌های اصلی (به قلم خود مؤلفان) بود. به همین علت شیخ مجبور شد در سال ۴۴۹ به نجف اشرف هجرت نماید و در آن‌جا وقت خود را صرف تألیف و تصنیف کند. او مهم‌ترین کتاب - هایش را در نجف به رشته تحریر در آورد؛ کتابهایی مانند: المبسوط، الخلاف، النهایة فی الفقه، التبیان فی تفسیر القرآن، تهذیب و استبصار در حدیث، اقتصاد، التمهید در علم کلام و سایر کتاب‌هایش در علم رجال و علوم دیگر.

#### شناسه تفسیر

التبیان؛ تفسیری است جامع و فراگیر که ابعاد متعددی چون لغت، ادب، قرائت، نحو، تفسیر و تأویل، فقه، کلام و ... را در بر گرفته است. شیخ طوسی در این تفسیر هیچ بعدی از ابعاد مربوط به تفسیر کلام الهی را رها نکرده و درباره هر یک، بحثی کافی و وافی نموده است. از ارجاعات شیخ در این تفسیر به سایر کتب فقهی و اصولی و کلامی‌اش معلوم می‌گردد که وی تفسیر خود را بعد از تألیف کتاب‌های دیگرش نوشته و به همین جهت این کتاب عظمت و غنای علمی بیشتری نسبت به کتاب‌های دیگر او دارد.

حقیقتاً این تفسیر گوی سبقت را از تمامی تفاسیر رایج در آن زمان ربود؛ زیرا بیشتر تفاسیر مرسوم در آن زمان مختصر بودند و فقط به یکی از جوانب تفسیری پرداختند؛ در حالی که این تفسیر، جامع تمام اقوال و نظریات مفسران قبل از خود بود. شیخ در مقدمه تفسیر خود می‌گوید:

آنچه مرا به تألیف این کتاب واداشت، این بود که در بین علمای گذشته و کنونی کسی را نیافتم که کتابی چنان جامع در تفسیر قرآن نوشته باشد که شامل جمیع فنون و فروع معانی آن

باشد. تنها عده‌ای به جمع‌آوری احادیث و روایات مربوط به تفسیر آیات اقدام نموده‌اند و در صدد استیعاب و توضیح نبوده‌اند. در میان آنان برخی بسیار گسترده سخن رانده و به ذکر تمام معانی و مفاهیم و احادیث و اخبار پرداخته‌اند - مانند طبری و همانندان او- برخی هم تنها به ذکر غرایب قرآن و معانی الفاظ بسنده کرده‌اند. گروهی هم با توجه به توان علمی خویش به طور میانه در این وادی گام نهاده‌اند و از آنچه بدان معرفت و شناختی نداشته‌اند سخنی نگفته‌اند. من با خواست خداوند، با ایجاز و اختصار به تمامی فنون مربوط به تفسیر قرآن می‌پردازم. مطالب را نه چندان بسط می‌دهم که باعث ملال خاطر خواننده شود و نه چندان مختصر می‌کنم که به علت اختصار، فهم آن بروی دشوار گردد.

به هر حال، این کتاب، تفسیری متوسط و در عین حال جامع و کامل و شامل همه محاسن تفاسیر گذشته است و مؤلف، در آن از مطالب طولانی و بیهوده‌ای که باعث ملال خواننده می‌شود خودداری ورزیده و آن را در ترتیبی زیبا و نیکو نگاشته است.

### روش تفسیری

شیخ طوسی در تفسیر تبیان، همان روش درستی را پیش گرفته است که بیشتر مفسران مورد اعتماد آن را مبنای کار خود قرار داده‌اند. وی ابتدا مقدماتی می‌آورد که روشنگر شیوه‌های بیان قرآنی است. هم‌چنین به مسائل مربوط به تفسیر و تأویل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، شناخت وجوه اعجاز قرآن و احکام تلاوت و قرائت آن، نزول قرآن به حرف واحد، توضیح درباره حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، بررسی اسامی قرآن و اسامی سوره‌ها و آیات و جز آن می‌پردازد.

اما روش وی در تفسیر بدین صورت است که ابتدا آیه را ذکر می‌کند؛ سپس لغات غریب آن را بررسی و اختلاف قرائت را بیان می‌کند و پس از آن به بیان و بررسی آراء و اقوال مختلف در مورد تفسیر آیه می‌پردازد و مفهوم آیه را- با رعایت ایجاز لفظ و کمال معنا- بیان می‌کند. هم‌چنین اسباب نزول آیه و مسائل کلامی مستفاد از ظاهر آن را ذکر می‌کند و مسائل مورد اختلاف فقهی و اعتقادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. او همه این‌ها را همراه با رعایت ادب در گفتار و تعابیر بیان می‌دارد.

از ویژگی‌های این تفسیر، آن است که شیخ طوسی در آن، مسائل کلامی را با روش ادبی بررسی می‌نماید و آیه‌ای از آیات قرآن را که به مسائل اعتقادی پرداخته باشد بدون بحث و بررسی رها نمی‌کند و به طور مفصل و گسترده به آن‌ها می‌پردازد. وی در مقدمه تفسیر چنین می‌گوید:

شنیده‌ام گروهی از شیعیان چه در گذشته و چه در حال حاضر، خواهان کتابی هستند نه چندان مفصل و نه بیش از حد مختصر که شامل همه علوم و فنون قرآنی از قبیل قرائت، معانی، اعراب، سخن از متشابه، پاسخ به ایرادات منکران و مخالفان مانند مجرّه، مشبهه، مجسمه و جز آنان و بیان استدلال‌های علمای گذشته در صحت عقاید و اعتقاداتشان باشد و من به خواست خدا به این کار می‌پردازم؛ با روش و سبکی موجز و مختصر در همه فنون قرآنی: نه چنان مفصل که باعث ملال خواننده شود و نه چنان مختصر که فهم معانی را مشکل سازد.

نمونه‌ای از تفسیر شیخ طوسی که نشان‌دهنده گرایش کلامی او در تفسیر است؛ ایشان در تفسیر آیه ۴۰ سوره توبه: **الَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.**

می‌گوید: در مورد اینکه ضمیر **عليه** به چه کسی برمی‌گردد، دو قول وجود دارد: یکی سخن زجاج است که می‌گوید: به خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برمی‌گردد و دیگری گفته جبایی است که می‌گوید: این ضمیر به ابوبکر بر می‌گردد؛ زیرا او ترسیده بود و نیاز به آرامش داشت. - شیخ می‌گوید: - نظر اول صحیح است؛ زیرا همه ضمایر قبل و بعد از این به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر می‌گردد. پس شایسته نیست که از همه آنها تنها این ضمیر به دیگری باز گردد. - سپس می‌گوید: - در این آیه دلیلی بر فضیلت ابوبکر وجود ندارد؛ زیرا عبارت **ثانی اثنین** فقط اخبار از این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همراه کسی دیگر خارج شده است و همچنین عبارت **إذ هما في الغار** یعنی دو نفر در غار بودند. عبارت **إذ يقول لصاحبه** نیز متضمن مدح ابوبکر نیست؛ زیرا اطلاق کلمه صاحب، در بردارنده مدح و فضیلتی نیست. مگر نمی‌بینی که خداوند در قرآن در وصف مؤمن و کافر می‌گوید:

**قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ؛** و عبارت **لَا تَحْزَنْ** اگر متضمن نکوهش نباشد، بر مدح دلالت ندارد بلکه تنها نهی از ترس است. در مورد عبارت **إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا** هم گفته‌اند منظور خود پیامبر است و اگر مراد ابوبکر باشد هم برای او فضیلتی به شمار نمی‌رود؛ زیرا محتمل است این عبارت بوجه تهدید باشد. - تا آنکه می‌گوید: - اگر عنادی در کار نباشد، در کجای این آیه فضیلتی برای ابوبکر وجود دارد. - سپس اضافه می‌کند: - ما این گفتار را به خاطر طعن و سرزنش ابوبکر بیان نکردیم، بلکه [چنانکه برای رفع شبهه ضروری بود] متذکر شدیم این استدلال [و ادعا] که در این آیه فضیلتی برای وی وجود دارد، صحیح نیست.